

گونه‌شناسی خطاهای زبانی در نگارش دانشگاهی

سمیه آقابابایی^۱

چکیده

امروزه نگارش علمی یکی از جنبه‌های مهم در هر رشته دانشگاهی است. نگارش دانشگاهی دارای مؤلفه‌ها و معیارهای متعددی است که آن را از سایر نگارش‌ها مانند نگارش ادبی متمایز می‌کند. با بررسی قالب‌های مختلف علمی مانند کتاب، مقاله، پایان‌نامه و رساله می‌توان پی برد که در تمامی این ساختارها رعایت قواعد نگارشی علمی و زبان معیار اهمیت بسیاری دارد. به عبارتی رعایت نشدن قواعد علمی در متون دانشگاهی سبب تأخیر در پیام‌رسانی می‌شود و مخاطبان نمی‌توانند منظور نویسنده را واضح درک کنند. در این پژوهش پیکره‌ای از قالب‌های علمی در رشته زبان و ادبیات فارسی بررسی شده است. نتیجه حاصل از این بررسی بیانگر آن است که در این متون پنج دسته خطا مشهود است که عبارت‌اند از: خطاهای زبانی، خطاهای صوری، خطاهای روش‌شناختی، خطاهای مرتبط با اخلاق پژوهش و خطاهای منطقی. هر دسته خطا شامل زیرمجموعه‌ای از کاربردهای نادرست در زبان علمی فارسی است که کاربرد پربسامد آن‌ها انسجام متون علمی زبان و ادبیات فارسی را از بین برده است و زبان متن را از نگارش علمی دور و به نگارش ادبی یا عامیانه نزدیک ساخته است. **کلمات کلیدی:** نگارش علمی، زبان و ادبیات فارسی، گونه علمی، خطاهای زبانی، زبان معیار.

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبائی Aghababaei.somaye@atu.ac.ir

۱. مقدمه

یکی از مهم‌ترین جنبه‌های فرهنگ هر کشوری زبان و ادبیات آن است. با متون موجود در حوزه زبان و ادبیات می‌توان فرهنگ و اطلاعات علمی و زبانی کشور خود را مطرح ساخت. رشته زبان و ادبیات فارسی به خودی خود بخش عظیمی از هویت و فرهنگ ایران را شکل می‌دهد. محققان مختلف و برجسته‌ای با مطالعه و تحلیل آثار ادبی و تحقیقات علمی درباره این آثار اقدام به گسترش زبان فارسی و هویت ملی ایران و اندیشه‌های آن کرده‌اند. لازمه شناساندن دقیق این است که متن زبان فصیح و رسایی داشته باشد؛ یعنی نویسندگان باید از کاربردهای پیچیده و ابهام‌آفرین و صناعات ادبی که منجر به مخیل شدن متن می‌شوند دوری کنند.

با بررسی آسیب‌شناسانه این متون می‌توان خطاهای پرکاربرد در زبان و ادبیات فارسی را استخراج و تحلیل کرد و با دسته‌بندی آن‌ها دیگر محققان و پژوهشگران علمی را از به کاربردن دوباره آن‌ها بازداشت. این مقاله در پی پاسخگویی به پرسش‌های زیر است:

- در قالب‌های علمی و دانشگاهی زبان و ادبیات فارسی چه خطاهایی به کار رفته است؟
- بسامد چه نوع خطایی در نگارش علمی متون فارسی بیشتر است؟
- راه اصلاح خطاهای به کار رفته در نگارش دانشگاهی چیست؟

این پژوهش با روش کیفی به استخراج خطاهای پربسامد در متون دانشگاهی پرداخته است که بعد از استخراج هر نوع خطا راه‌های اصلاح آن‌ها نیز بیان شده است. درباره نگارش دانشگاهی و مؤلفه‌های آن پژوهش‌هایی انجام شده است که به برخی از این نکات اشاره می‌شود:

آقابابایی، سمیه و زمانی، محمدمهدی (۱۴۰۲). نگارش دانشگاهی. در این کتاب نویسندگان به بررسی ساختار نگارش دانشگاهی توجه کرده و الگوهایی را در زمینه زبانی، صوری، محتوایی همراه با مباحث منطقی و نگارش نقادانه ارائه کرده‌اند؛ همچنین ایران‌زاده، نعمت‌الله، آقابابایی، سمیه و زمانی، محمدمهدی (۱۳۹۸). در مقاله «آسیب‌شناسی کاربرد زبان علم در کتاب‌های دانشگاهی رشته زبان و ادبیات فارسی» بر اساس نظریات زبان‌شناختی

گونه‌شناسی خطاهای زبانی در نگارش دانشگاهی ۳

به بررسی کتاب‌های فارسی پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که در این کتاب‌ها خطاهایی مانند قاعده‌گاهی و قاعده‌افزایی در بسامد بالا به چشم می‌خورد. این نویسندگان همچنین در کتاب *زبان علم در پژوهش‌های ادبی* (۱۴۰۱) به تفصیل از منظر گونه‌ی زبان علم متون ادبی را بررسی و تحلیل کرده‌اند. ترکیب‌بافت‌های گوناگون در این متون یکی از خطاهای پرکاربرد بوده است. صحرایی و رفیعی (۱۳۹۲) در کتاب *زبان علم فارسی* به بررسی مقایسه‌ای ویژگی‌های علمی زبان و واژه‌سازی فارسی با انگلیسی پرداخته‌اند. آشوری (۱۳۶۳) از جمله محققانی است که به تألیف آثاری در زمینه‌ی زبان فارسی در جایگاه زبان علم پرداخته است. حق‌شناس (۱۳۷۱) در مقاله «در جستجوی زبان علم» به بررسی ویژگی‌های کلی زبان علم، نقش علمی زبان فارسی و بررسی وضعیت فعلی زبان فارسی می‌پردازد و در ادامه راهکارها و پیشنهادهایی برای رفع نواقص مطرح شده ارائه می‌کند.

فتوحی (۱۳۸۹) در کتاب *آیین نگارش مقاله پژوهشی* به برخی ویژگی‌های نگارش علمی، از جمله شیوه‌ی بندنویسی و مستندسازی، اشاره کرده است. موحد (۱۳۸۹) نیز در کتاب *البته واضح و مبرهن است که... رساله‌ای در مقاله‌نویسی* به نکات علمی نگارش فارسی پرداخته است. همچنین سمیعی (۱۳۸۹) در *نگارش و ویرایش* به برخی از موارد مرتبط با آیین نگارش و ویرایش گونه‌ی علمی پرداخته است. از دیگر محققانی که نگارش علمی فارسی را مدنظر قرار داده است صلح‌جو است. او در کتاب *"نکته‌های ویرایش"* به ویژگی‌های علمی زبان در مواردی چون بندنویسی، رسم‌الخط، ارجاع‌دهی و غیره پرداخته است.

۲. بحث و بررسی

۲-۱. نگارش دانشگاهی

در تعریف نگارش دانشگاهی باید اشاره کرد که این نگارش پژوهشی علمی در قالب‌های مختلف مقاله، کتاب، پایان‌نامه، رساله، کنفرانس و غیره است که هدف آن انتقال بیشترین اطلاعات در سریع‌ترین و واضح‌ترین شکل ممکن است.

۲-۲. مؤلفه‌های نگارش دانشگاهی

باید توجه داشت که نگارش دانشگاهی دارای ویژگی‌هایی است که در تمامی رشته‌های علمی مشترک است. به عبارتی در هر پژوهش علمی عبارات و جملات باید واضح و متناسب با قواعد دستوری زبان فارسی باشد؛ یعنی ساختار نگارشی متن متناسب با چهارچوب‌های علمی‌ای باشد که فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی در بخش‌هایی مانند رسم‌الخط زبان فارسی، نوع نگارش املایی واژگان و غیره تنظیم کرده است.

۲-۳. نقش‌های زبانی یاکوبسن

زبان‌شناسان بسیاری درباره نقش‌های گوناگون زبان سخن گفته‌اند که این نقش‌های معرفی شده از سوی این زبان‌شناسان کامل‌کننده یکدیگر است. در این میان می‌توان به طرحی که یاکوبسن ارائه کرده به عنوان طرحی منسجم از «نقش‌های زبان»^۱ اشاره کرد. یاکوبسن به هنگام طرح نقش‌های زبان، ابتدا نموداری از روند ایجاد ارتباط به دست می‌دهد. به اعتقاد وی «گوینده»، «پیامی» را برای «مخاطب» می‌فرستد. پیام زمانی مؤثر خواهد بود که معنایی داشته باشد و طبعاً می‌باید از سوی گوینده «رمزگذاری» و از سوی مخاطب «رمزگردانی» شود. پیام از طریق «مجرای فیزیکی» انتقال می‌یابد. وی فرایند ارتباط کلامی را در نمودار (۱-۲) نشان می‌دهد.

موضوع		
مخاطب	پیام	گوینده
	مجرای ارتباطی	
	رمزگان	

یاکوبسن این شش جزء را تشکیل‌دهنده فرایند یک ارتباط می‌داند. از دید او هرگاه توجه پیام به یکی از این شش عامل جلب شود، سبب ایجاد یکی از نقش‌های زبان می‌شود. یاکوبسن در اصل دیدگاه «بولر» را مبنای کار خود قرار داده و به تکمیل آن می‌پردازد. این نقش‌های شش‌گانه عبارت‌اند از:

الف. نقش عاطفی

اگر جهت‌گیری پیام به سوی گوینده باشد، «نقش عاطفی»^[۲] می‌شود که این نقش زبان، تأثیری از احساس خاص گوینده را به وجود می‌آورد، خواه آن احساس را داشته باشد و خواه وانمود کند که چنین احساسی را دارد.

ب. نقش ترغیبی

اگر جهت‌گیری پیام به سوی مخاطب باشد، «نقش ترغیبی» را ایجاد می‌کند. بارزترین نمونه آن ساخت‌های ندایی یا امری است که صدق و کذب آن‌ها مشخص نیست.

پ. نقش ارجاعی

هرگاه جهت‌گیری پیام به سوی موضوع پیام باشد، آن را «نقش ارجاعی» می‌گویند که در این نقش جملات صدق یا کذب‌اند، زیرا از نوع جملات اخباری‌اند.

ت. نقش فرازبانی

یاکوبسن اشاره می‌کند که هرگاه گوینده یا مخاطب یا هر دو احساس کند لازم است از مشترک بودن رمزی که استفاده می‌کنند مطمئن شوند در این صورت جهت‌گیری پیام به سوی رمز خواهد بود و آن را «نقش فرازبانی» می‌گویند که از این نقش در فرهنگ‌های توصیفی استفاده می‌شود.

ث. نقش همدلی

نقش «همدلی» نقشی است که در آن پیام به سوی مجرای ارتباطی جلب شده است که هدف پیام‌ها در این نقش یا سبب ادامه ارتباط می‌شود یا ارتباط را قطع می‌کند و برخی هم برای اطمینان یافتن از عملکرد درست مجرای ارتباطی است.

ج. نقش ادبی

نقش ادبی نقشی است که در آن جهت‌گیری پیام به سوی خود پیام است و به پیام‌فی‌نفسه توجه می‌شود. به اعتقاد یاکوبسن بررسی این نقش زبان بدون در نظر گرفتن مسائل زبانی مؤثر نخواهد بود؛ مانند «هزار بار می‌میرم تا زنده بمانم» (صفوی، ۱۳۹۰، ج ۱: ۳۴-۳۷). یاکوبسن از جمله زبان‌شناسانی است که به صورت و ظاهر متن توجه کرده است و دلالت‌های معنایی یک متن را از شکل آن استنتاج می‌کند. به نظر یاکوبسن مرز مشخصی میان نقش‌های زبان وجود ندارد و بسیاری از جملات زبان به طور مطلق دارای نقش واحدی نیستند. به اعتقاد یاکوبسن درهم آمیختگی نقش‌های زبان به صورتی است که در بعضی از سایه‌روشن‌هایی که وجود دارد تشخیص و بازنمایی اینکه گرایش پیام به سمت کدام یک از نقش‌های زبان است، مشکل است (همان: ۳۳-۴۴).

یاکوبسن برای تشخیص مشخصه ذاتی ادب از شیوه کاربرد واژگان بر روی محور «هم‌نشینی و جانشینی» سود می‌جوید. شیوه انتخاب یک واژه از میان واژه‌های کم‌ویش معادل یکدیگر، بر روی محور جانشینی و چگونگی هم‌نشینی آن‌ها بر روی محور هم‌نشینی می‌تواند جملات یک زبان را از نقش ارتباطی به سمت نقش ادبی سوق دهد. از دید او شیوه انتخاب و ترکیب واژه‌ها (محور هم‌نشینی و جانشینی) که از راه‌های تشخیص زبان ادب است از دیگر نقش‌ها در ساختار معنایی جمله تأثیری ندارد، بلکه این تأثیر در ساخت پیام اعمال می‌شود (همان: ۴۴-۴۵).

آنچه یاکوبسن درباره ایجاد ارتباط و عملکرد انتخاب و ترکیب واحدهای زبان مطرح می‌کند به گونه‌ای است که است هم انگار هم فرستنده و هم گیرنده پیام ابتدا با انتخاب واحدها و سپس با ترکیب واحدها مواجه می‌شوند. این در حالی است که به نظر می‌رسد فرستنده پیام ابتدا واحدهایی

گونه‌شناسی خطاهای زبانی در نگارش دانشگاهی ۷

را از روی محور جانشینی انتخاب می‌کند و سپس این واحدها را بر روی محور هم‌نشینی در ترکیب با یکدیگر قرار می‌دهد، درحالی‌که گیرنده پیام عکس این روند را به کار می‌گیرد؛ یعنی او ابتدا در برابر واحدهایی قرار می‌گیرد که فرستنده در ترکیب با یکدیگر در اختیار او قرار داده است. این گیرنده پس از رویارویی با آنچه در ترکیب در اختیار او قرار داده است به سراغ درک انتخاب‌هایی می‌رود که فرستنده پیام اعمال کرده است. بحث بر سر این است که گیرنده پیام تا چه میزان می‌تواند به درک انتخاب‌های فرستنده پیام برسد.

۲-۴. گونه‌های زبان ادبی

زبان فارسی جدا از گونه گفتاری، دارای گونه نوشتاری نیز است. هر زبان طبیعی، از لحاظ نظری می‌تواند دارای گونه‌های متفاوت بی‌نهایتی باشد. برای نمونه گونه‌های زبان فارسی عبارت‌اند از: گونه‌های زمانی، گونه‌های جغرافیایی، گونه‌های تحصیلی، جنسی، سنتی و غیره. در کنار این گونه‌ها باید از «زبان خودکار» و «زبان ادب» نام برد. در زبان‌شناسی، زبانی را که سخن‌گویان یک جامعه زبانی به صورت روزمره به کار می‌برند، «زبان خودکار» می‌نامند. «زبان ادبی»، زبانی برجسته شده است که این دو گونه زبان را باید به مثابه دو پیش‌نمونه در نظر گرفت و هر واحد بررسی شده را برحسب نتیجه حاصل از عملکرد انتخاب و ترکیب بر روی دو محور جانشینی و هم‌نشینی در پیوستاری میان این دو پیش‌نمونه طبقه‌بندی کرد. نخستین بررسی زبان‌شناختی برای تعیین گونه‌های زبان ادبی و ارائه تمایزی صریح میان سه گونه ادبی؛ یعنی: «نثر، نظم و شعر» در ادبیات فارسی از سوی حق‌شناس مطرح شده است (حق‌شناس، ۱۳۷۱: ۴). از ابتدا تمایز میان این سه گونه، دست‌کم به هنگام کاربرد اصطلاح مشخص بوده اما محدوده هر یک از این گونه‌ها، به لحاظ علمی مشخص نشده است. شفיעی کدکنی و لیچ در بررسی‌های خود به تمایز به میان نثر و دو گونه شعر و نظم اشاره صریح ندارند، اما حق‌شناس و آبروکرومبی تعریفی صریح از نثر ارائه می‌دهند. به‌طور کلی می‌توان گفت، شکل نوشتاری زبان خودکار، همان «نثر» است. برحسب سنت مطالعات زبان‌شناسان این نثر از طریق «قاعده کاهی» به شعر و با «قاعده افزایی» به «نظم» تبدیل

می‌شود. حال اگر زمینه همان نثر باقی بماند و ابزارهای شعر یا نظم‌آفرینی در آن اعمال شوند، این نثر، «نثر ادبی» خواهد شد؛ یعنی به‌نوعی در نثر ادبی، باید از قاعده‌کاهی سبکی استفاده شود. با این حساب می‌توان گفت که «شعر منظوم»، نثری است که با اعمال قاعده‌کاهی و قاعده‌افزایی پدید آمده است و «شعر منثور»، نثری است که در آن قاعده‌کاهی اعمال شده، ولی قاعده‌افزایی در آن دخالتی ندارد (صفوی، ۱۳۹۰: ۳۸-۳۹).

۳. آسیب‌شناسی نگارش دانشگاهی در زبان و ادبیات فارسی

با دقت در جدول زیر می‌توان دسته‌های مختلف انواع خطاهای موجود در متون ادبیات فارسی را مشاهده کرد:

زبانی	صوری	روش‌شناختی	مرتبط با اخلاق پژوهش	منطقی
ابهام‌گزاره‌ها، نبود انسجام منطقی مطالب	نبود رسم‌الخطی سنجیده در پژوهش‌های ادبی	خطا در نمونه‌گیری	مستندسازی نادرست	نوع پاراگراف‌ها
مشخص نبودن معیارهای اصطلاح‌سازی در زبان علمی و غیره	کاربرد نامناسب علائم نگارشی	ابهام در روش‌های تحلیل داده‌ها	انواع سرقت علمی	انسجام محتوایی

۳-۱. انواع خطاهای زبانی

در این بخش انواع خطاهای زبانی پرکاربرد در نگارش علمی زبان و ادبیات فارسی مشهود است. در کنار هر عنوان ابتدا ساختار خطا توضیح داده شده است؛ سپس نمونه‌های برای

کاربرد خطا در متون بررسی شده آمده است. در ادامه بعد از هر نمونه نادرست صورت اصلاح‌شده آن با توضیح روش اصلاح ذکر شده است.

۱-۱-۳. کاربرد واژگان با گونه زبانی محاوره یا گونه زبانی ادبی

بر اساس نظریه گونه‌های زبانی، در هر متنی باید از واژگان مخصوص آن گونه زبانی استفاده کرد. برای مثال در گونه زبانی خودکار یا عامیانه کاربرد واژگان و اصطلاحات عامیانه ایرادی ندارد؛ یا در گونه ادبی زبان بادی برای انسجام بیشتر متن از صناعات ادبی در متن همراه جملات عاطفی استفاده کرد (صفوی، ۱۳۹۱: ۵۷-۶۳). بر این اساس در گونه علمی که مخصوص نگارش دانشگاهی است کاربرد هر گونه از واژگان، عبارات و اصطلاح‌هایی که متن را به سمت گونه زبانی ادبی یا خودکار سوق دهند نادرست است. رعایت نشدن این نکته از جمله خطاهای پربسامد در نگارش دانشگاهی است. برای نمونه:

«از این روی همه عقده‌هایی را که در دل داشته و فریادهایی را که در گلوش گره می‌شده در این ترجمه جلوه گر ساخته است منتهی در لباس شوخی و طنز و کنایات خنده‌انگیز» (یوسفی، ۱۳۷۰: ۱۷).

در این نمونه نویسنده با کاربرد واژگانی مانند عقده در دل داشتن، کاربرد تشبیه عقده به گره، ترکیب ادبی لباس شوخی و غیره سبب حرکت جمله به سمت گونه زبانی ادبی شده است. به عبارتی مخاطب برای درک آن نیاز به تأویل و تفسیر متن دارد. اصلاح: زندگی و شرایط نامناسب میرزا حبیب اصفهانی در ترجمه اثر او تأثیر گذاشته است؛ این تأثیر خود را در قالب کنایات طنزآمیز و هجو نشان داده است.

۲-۱-۳. کاربرد جملات اخباری مبهم

از دیگر خطاهای پربسامد این است که نویسندگان در بیان جملات اخباری به جای تأکید بر محتوا و موضوع بحث‌شده از واژگانی استفاده می‌کنند که متن را از حالت

خبری دور می‌کند. در جملات خبری علمی هر جمله‌ای صدق یا کذب‌پذیر است (یاکوبسن، ۱۳۸۱: ۷۳-۷۴). به نمونه زیر دقت کنید:

«قدرت تعبیر و شیرینی بیان و لحن طعنه‌آمیز و شوخ و شنگ وی زیبایی خاصی به کتاب ارزانی داشته ...» (یوسفی، ۱۳۷۰: ۴۵).

در نمونه فوق به سبب کاربرد عباراتی که زیر آن‌ها خط کشیده شده است جمله اخباری از موضوع دور شده است و صدق یا کذب‌پذیر در عالم واقع نیست. به عبارتی مشخص است که نویسنده غیرواضح، نامرتب و با جانب‌داری درباره موضوع صحبت کرده است.

برای اصلاح این گونه جملات باید واژگان مبهم را حذف کرد و واژگانی به کار برد که در بیان علمی معیاری برای سنجش آن وجود داشته باشد.

۳-۱-۳. کاربرد جملات احساسی و عاطفی

کاربرد جملات احساسی و عاطفی در متون علمی ممنوع است. در جملات عاطفی که نویسنده به خود و احساسات خود توجه می‌کند نمی‌توان بی‌طرفانه سخن گفت (ر. ک. یاکوبسن، ۱۳۸۱: ۷۴ و رفیعی و صحرایی، ۱۳۹۲: ۲۲). در نمونه زیر کاربرد جمله عاطفی را در متن دانشگاهی می‌توان مشاهده کرد:

«این استاد شاعران کهن را پیرمردی نشان می‌دهد خسته و فرسوده با دندان‌های فروریخته، موهایی از غبار ایام سفید و بالایی از فشار بار زن و فرزند خم گشته...» (زرین کوب، ۱۳۵۷: ۲).

در این جملات نویسنده احساس اندوه و غم خود را در جملاتی عاطفی بیان کرده است که راه اصلاح آن حذف بار عاطفی جمله است.

۳-۱-۴. کاربرد جملات با نقش ترغیبی احساسی

در متن علمی می‌توان از جملات امری با ساختار دوم‌شخص جمع استفاده کرد، اما باید توجه داشت که این جملات امری معانی ضمنی نداشته باشند و ترغیبشان از نوع احساس نباشد (ر.

گونه‌شناسی خطاهای زبانی در نگارش دانشگاهی ۱۱

ک. رفیعی و صحرایی: ۱۳۹۲: ۲۳). برای نمونه در مثال زیر که در ساختار پایان‌نامه‌ای به کار رفته است می‌توان نوع نادرست ترغیب را مشاهده کرد. «مخاطب عزیز در این غزل غور کنید و زیبایی‌اش را دریابید». در این نمونه نویسنده با به کار بردن این ترغیب بهتر بود عوامل زیبایی‌آفرینی متن را نیز خود توضیح دهد و آن را بر عهده مخاطب نگذارد.

۳-۱-۵. کاربرد جملات ادبی

در نگارش متون دانشگاهی کاربرد هر صنعت ادبی که سبب مخیل شدن متن شود نادرست است. بر این اساس در نظریهٔ یاکوبسن نقش جملاتی که ادبی باشد در متن علمی به کار نمی‌رود (صفوی، ۱۳۹۱: ۴۲).

«شعر سیمرخ دانا به پاره‌های آهن سرخ‌شده‌ای می‌ماند که از زیر ضربات پتک آهنگری زورمند بر سندان برمی‌جهد، شراره است و شررافکن».

«شاعر که غبار سفید بازمانده از کاروان عمر رفته را بر سر و موی خریش می‌یافت یک لحظه فروماند تا رفته رفته به دنیای سایه‌ها رخت بکشد» (زرین کوب، ۱۳۵۷: ۱۰).

۳-۱-۶. کاربرد صناعات آوایی

در متون ادبی به کار بردن عباراتی که سبب ایجاد جناس و سجع و واج‌آرایی در متن می‌شوند درست نیست. این عبارات متن را به سمت شعر یا نظم سوق می‌دهند. در مباحث زبان‌شناسی کاربرد انواع توازن در متن علمی خطاست (صفوی، ۱۳۹۰: ۵۸). در نمونه زیر کاربرد صناعات نظم‌آفرین متن را از نگارش علمی دور کرده است:

«یکی از دوستان ادیب و فاضل و صاحب تصنیف و انصاف ...» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۱: ۱۳).

یا مثلاً یکی از بخش‌های کتاب علمی و دانشگاهی عنوان زیر را دارد که کاملاً ادبی است و مبتنی بر تکرار واژه‌ها است: «جهان گذران و گذران جهان» (حمیدیان، ۱۳۸۹: ۳۲).

۳-۱-۷. کاربرد واژگان قدیمی و منسوخ

هر متن دانشگاهی باید از واژگانی استفاده کند که در زبان معیار کاربرد داشته باشد. به کار بردن واژگانی که متعلق به دوره‌های زبانی پیشین‌اند و امروزه به کار نمی‌روند سبب می‌شود مخاطبان به آسانی متن را درک نکنند. این مسئله بسیار مهم است، زیرا در بحث گسترش زبان و ادبیات فارسی نیز تأثیر مستقیمی دارد. برای مثال در نمونه زیر مخاطبان فارسی‌زبان نیز به سختی متوجه منظور نویسنده می‌شوند و به عبارتی برای درک مطلب باید به فرهنگ لغات مراجعه کنند؛ بنابراین درک چنین جملاتی برای افراد غیرفارسی‌زبان یا فارسی‌آموزان بسیار دشوار خواهد بود.

«شاهنامه که نامه گران‌سنگ و ورجاوند فرهنگ ایران است...» (کزازی، ۱۳۷۰: ۵۲)

(یا عنوان کتاب *مازهای راز* که کاملاً کهن‌گرایانه و ادبی است).

در این جملات باید به جای واژگان دشوار از معادل امروزی آن‌ها استفاده کرد.

۳-۱-۸. کاربرد پرسش بلاغی و غیرحقیقی

در بسیاری از متون دانشگاهی کاربرد پرسش‌های علمی جایز است که نویسنده در کنار آن‌ها فرضیه‌ای را نیز مطرح می‌کند، اما در نگارش دانشگاهی به کار بردن پرسشی که جوابی نداشته باشد یا پاسخ آن مشخص باشد نادرست است؛ مانند نمونه‌های زیر:

«آنچه متکی بر شایعات و متواترات و مظنونات باشد چگونه می‌توان معرفت قطعی و

جزمی بنیاد نهاد؟» (زرین‌کوب، ۱۳۹۴: ۵).

«مگر نه آنکه مقصود از ذکر و ورد در همه حال خدا را در نظر داشتن است؟»

(یوسفی، ۱۳۷۳: ۳۴۵).

در این جملات راه اصلاح حذف پرسش‌های بلاغی است که در قالب تأکید آمده است.

۹-۱-۳. کاربرد تعریف خاطره و داستان

در برخی از کتاب‌های دانشگاهی نویسندگان برای تأثیرگذاری بیشتر بر مخاطبان از ابزارهای غیرعلمی مانند تعریف خاطره، داستان یا حکایت استفاده می‌کنند. به عبارتی خوانندگان با این ابزارها وارد جهان ممکن می‌شوند که در عالم واقع نیست (صفوی، ۱۳). به مثال زیر دقت کنید:

«از تمام افسانه‌های شیرین و شگفت‌انگیز کهن که دایه پیر در سال‌های کودکی برای من گفته است اکنون دیگر هیچ به خاطر من نیست. آن‌همه دیو و اژدها و آن‌همه گنج‌های افسانه‌ای و قلعه‌های پریان که خواب‌های کودکی مرا از راز و ابهام سرشار می‌کرد اکنون همه محو و نابود شده است. از هارون خلیفه که جعفر برمکی برای ماهیگیری در کنار دجله شب‌ها به روز می‌آورد و از شاه‌عباس صفوی که با جامه درویشان هر شب در اصفهان با ماجرای تازه روبرو می‌شد اکنون دیگر چیزی جز یک خاطره مبهم در ذهن من نمانده است. وجودی که این قهرمانان داستانی برای من دارند چون وجود سایه‌ها و اشباح خیالی گریزان و درهم است و هر چه از خواب‌ها و خیال‌های کودکانه دورتر می‌شوم وجود آن سایه‌ها هم مات‌تر و محوتر می‌شود، اما آنچه در داستان‌های کهن از وجود رستم در خاطر من نقش شده است از یاد نمی‌رود و هر روز زنده‌تر و روشن‌تر می‌شود. آیا برای آن است که رستم آفریده خیال قصه‌گویان عادی نیست؟ برای آن است که مادر بزرگ من و دایه پیرم آن را نیافریده‌اند؟» (زرین کوب، ۱۳۵۷: ۱۱-۱۲).

در متن فوق نویسنده با بیان خاطره‌آمیز در کنار کاربرد پرسش‌های بلاغی و جملات مخیل ادبی متن را زبان علمی دانشگاهی دور کرده است.

۳-۱-۱۰. کاربرد عبارات با بار معنایی مثبت یا منفی

در بسیاری از نمونه‌ها نکاتی که سبب می‌شود نگارش دانشگاهی از زبان علمی دور شود آن است که نویسندگان واژه‌هایی را به کار می‌برند که دارای بار معنایی هستند. بار معنایی جملات چه مثبت باشد چه منفی تفاوتی ندارد و هر دو در متن علمی کاربردی ندارند؛ بنابراین در نگارش دانشگاهی کاربرد القاب احترام‌آمیز یا صفات مثبت و منفی در کنار افعالی که برای احترام یا برعکس برای تحقیر به کار می‌روند ممنوع است. به نمونه‌های زیر دقت کنید:

«این‌ها ساده‌ترین و احمقانه‌ترین راه‌های به زبان خاص و سبک شخصی رسیدن است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۱: ۹). در این نمونه کاربرد عبارت توهین‌آمیز احمقانه‌ترین و ساده‌ترین سبب شده است که نویسنده دست به قضاوت غیر علمی بزند که در تحقیق دانشگاهی جایگاهی ندارد.

«لطف بیان میرزا حبيب به جمله‌های او نمک خاصی داده است» (یوسفی، ۱۳۷۰: ۴۴). در نمونه فوق نویسنده با کاربرد واژگانی مانند لطف بیان و عبارت فعلی نمک خاص دادن سبب ایجاد بار معنایی مثبت در متن شده است.

نویسنده باید به جای این عبارات دارای معنای ضمنی از عبارات بینشان استفاده کند.

۳-۱-۱۱. کاربرد واژه‌های مبهم

در نگارش دانشگاهی منظور آر واژگان مبهم واژگانی هستند که برای همه مخاطبان دارای معنای یکسانی نیستند. به عبارتی هر مخاطبی هنگام مواجه شدن با این واژه‌ها دست به تأویل و تفسیر می‌زند و معنایی را از آن استنباط می‌کند. درواقع به سبب اینکه معنای مشخص و معیار معینی برای این واژه‌ها در زبان علمی وجود ندارد کاربرد آن‌ها در نگارش دانشگاهی نادرست است. برای مثال در نمونه‌های زیر نویسندگان از عباراتی استفاده کرده‌اند که برای اصلاح نیاز به حذف آن‌ها است. مثلاً کاربرد عباراتی مانند روح شوخی، تشبیهات بی‌مزه، تعبیرات فریب‌آمیز، نوع ارجمند حماسی و غیره برای مخاطبان درک‌شونده نیست و هر فردی

گونه‌شناسی خطاهای زبانی در نگارش دانشگاهی ۱۵

بر اساس پیش‌زمینه ذهنی خود و بافت موقعیتی و بافت درون متن معنایی را از این عبارات مبهم استنباط می‌کند.

«از این گذشته روح شوخی و طنز در همه مظاهر داستان به چشم می‌خورد. بیشترین این طنزها شامل طبقات مختلف جامعه است نظیر شاعران مدیحه‌سرا و تشبیهات بی‌مزه و تعبیرات فریب‌آمیز آن‌ها به شعر و نثر» (یوسفی، ۱۳۷۰: ۳۹).

«بدین سان که پیش از او شعر بیشتر بر مدار مدح و تغزل و البته نوع ارجمند حماسی می‌گشت اما او آن را وارد عواملی دیگر کرد و بدان صبغه و عطر و طعمی تازه از عشقی شورآفرین همراه با سوز سینه بخشید» (حمیدیان، ۱۳۸۹: ۱۱۳).

۱۲-۱-۳. کاربرد همدلی و همراهی نویسنده یا گوینده با مخاطب

یکی دیگر از خطاهایی که در متون دانشگاهی مشهود است کاربرد جملات احساسی و همراهی نویسنده با مخاطب است. این اتفاق غالباً در گفتار صورت می‌گیرد و در زبان علمی جایز نیست.

«نمی‌دانم آیا شما می‌خواننده مثل بنده دلتان از ماجرا به درد آمده است یا نه» (حمیدیان، ۱۳۸۹: ۵۷).

در این جمله نویسنده به گونه‌ای عمل کرده است که گویا مخاطب حاضر است و این عملکرد سبب دور شدن متن از بافت علمی شده است. به عبارتی در این گونه جملات هدف نویسنده برقراری ارتباط با مخاطب است (یاکوبسن، ۱۳۸۱: ۷۵). ویراستار در مواجهه با این موارد در متن دانشگاهی جملات را حذف می‌کند.

۱۳-۱-۳. کاربرد اصطلاحات و عبارات عامیانه

همان طور که ذکر شد هر متنی باید متناسب با گونه زبانی خود از واژگان استفاده کند. در برخی از متون دانشگاهی نویسندگان از اصطلاحات علمی استفاده می‌کنند ضرب‌المثل در زبان عامیانه هستند. این کاربردها اگرچه سبب نزدیکی مخاطب و نویسنده می‌شود، اما متن را از

گونه علمی آن دور می‌کند؛ همچنین باید توجه داشت در بسیاری موارد این ضرب‌المثل‌ها سبب ایجاد داوری ارزشی مثبت یا منفی در متن نیز می‌شوند. به نمونه زیر دقت کنید:

«مبالغه‌ای است که البته خوب آموخته‌ایم آموخته‌ایم به سیم آخر زدن را در هر چیز مربوط به او، بلند شدن روی دست یکدیگر را در اسناد هر چیز ماورای فکرت دانا به او از تحقیق کاستن و در تعریف و تعارف افزودن را، لابد با این فکر که ضرری ندارد مخالفتی و مخالفی هم نیست» (حمیدیان، ۱۳۹۱: ۲-۳).

در نمونه ذکرشده عبارات به سیم آخر زدن، بلند شدن روی دست یکدیگر، لابد، ضرر نداشتن عبارات‌های محاوره و عامیانه‌ای هستند که متن را از زبان علمی و دانشگاهی دور کردند. در این نمونه در کنار خطای ذکرشده، خطای توازن را در میان واژگان مخالفت و مخالف، خطای واژگان قدیمی فکرت نیز مشهود است که در مجموع کنار هم زبان متن را آشفته ساخته است.

به‌طور کلی در ادامه عملکرد انواع خطاهای زبانی موجود در متون دانشگاهی را می‌توان مشاهده کرد.

انواع خطاهای زبانی
واژه‌های نامتناسب با گونه علمی جملات ارجاعی مبهم جملات عاطفی جملات ترغیبی احساس جملات همدلی جملات ادبی جملات موزون کهن‌گرایی عبارات محاوره‌ای یا عامیانه پرسش بلاغی خاطره‌پردازی عبارات با بار معنایی واژه‌های مبهم

نتیجه‌گیری

نگارش دانشگاهی در هر رشته‌ای در زبان فارسی نیازمند آن است که از مجموعه‌ای از مؤلفه‌ها و قواعد دستوری تبعیت کند. رعایت این مؤلفه‌ها در نگارش دانشگاهی سبب درک بهتر و سریع‌تر متون و مطالب خواهد شد. از میان رشته‌های دانشگاهی، رشته زبان و ادبیات فارسی به سبب پیوند آن با هویت ملی و ایرانی بیش از هر رشته دیگری نیازمند دقت در زبان است. بر اساس گونه‌های زبان فارسی در هر متنی اعم از دانشگاهی یا غیردانشگاهی باید در انتخاب واژگان دقت شود. واژه‌ها و عبارات هر گونه زبانی با دیگری متفاوت است. اگر نویسنده یا پژوهشگری به اشتباه در متن خود از عبارات و کلمات گونه زبانی دیگر استفاده کند سبب آشفتگی متن می‌شود. در نگارش دانشگاهی ادبیات فارسی خطاهایی در کاربرد زبان، روش تحقیق، ساختار صوری متن و غیره به چشم می‌خورد. با بررسی بسیاری از کتب فارسی دانشگاهی که از اهمیت بالایی در رشته ادبیات فارسی داشتند مشخص شد که در اکثر این متون خطاهای زبانی‌ای مانند واژه‌های نامتناسب با گونه علمی، جملات ارجاعی مبهم، جملات عاطفی، جملات ترغیبی احساسی، جملات همدلی، جملات ادبی جملات موزون، کهن‌گرایی، عبارات محاوره‌ای یا عامیانه، پرسش بلاغی، خاطره‌پردازی، عبارات با بار معنایی مثبت یا منفی و واژه‌های مبهم به چشم می‌خورد. کاربرد این خطاها متن دانشگاهی را از ساختار علمی دور کرده و به زبان ادبی یا زبان عامیانه و محاوره نزدیک می‌سازد. در متون دانشگاهی که هدف انتقال اطلاعات و یادگیری مخاطبان است کاربرد این خطاها هدف را تحت تأثیر قرار داده و یادگیری و درک مخاطبان را مختل می‌کند. در بسیاری از موارد ویراستار یا مخاطب برای درک بهتر یا اصلاح متن نیاز است برخی از این عبارات و واژه‌ها را حذف کند، گاهی مجبور است به جای عبارات حذف شده واژگان بی‌نشان علمی را جایگزین کند. با استخراج و تحلیل این خطاها و بیان روش‌های اصلاح آن‌ها پژوهشگران و نویسندگان متون دانشگاهی می‌توانند میزان و بسامد خطاهای خود را کاهش دهند و به زبان علم نزدیک‌تر شوند.

منابع

- آشوری، داریوش (۱۳۸۶). علم و زبان علمی. بازاندیشی زبان فارسی: ده مقاله. تهران: مرکز. چاپ چهارم.
- آقابابایی، سمیه و زمانی، محمدمهدی (۱۴۰۲). نگارش دانشگاهی. تهران: علمی.
- ایران‌زاده، نعمت‌الله، آقابابایی، سمیه و زمانی، محمدمهدی (۱۳۹۸). «آسیب‌شناسی کاربرد زبان علم در کتاب‌های دانشگاهی رشته زبان و ادبیات فارسی». دوفصلنامه پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی. دوره ۲۳. شماره ۴۵. صص ۲۱-۴۱.
- ایران‌زاده، نعمت‌الله، آقابابایی، سمیه و زمانی، محمدمهدی (۱۴۰۱). زبان علم در پژوهش‌های ادبی. تهران: خاموش.
- حق‌شناس، علی‌محمد (۱۳۷۱). «شعر، نظم، نثر: سه گونه ادبی». در مجموعه مقالات سمینار زبان فارسی و زبان علم. تهران: نشر دانشگاهی.
- حمیدیان، سعید (۱۳۸۹). شرح شوق. تهران: قطره.
- رفیعی، رضا و صحرائی، رضا مراد (۱۳۹۲). زبان فارسی، زبان علم (نگاهی به فرایندهای واژه‌سازی گونه علمی زبان فارسی). تهران: مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۹۴). دو قرن سکوت. سرگذشت حوادث و اوضاع تاریخی ایران در دو قرن اول اسلام از حمله عرب تا ظهور دولت طاهریان. تهران: زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۵۷). با کاروان حله. تهران: علمی.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۶۳). سیری در شعر فارسی. تهران: نوین.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۱). موسیقی شعر. تهران: آگه.
- صفوی، کورش (۱۳۹۰). از زبان‌شناسی به ادبیات. تهران: انتشارات سوره مهر.
- صفوی، کورش (۱۳۹۱). آشنایی با زبان‌شناسی در ادبیات. تهران: علمی.
- صلح‌جو، علی (۱۳۸۶). نکته‌های ویرایش. تهران: مرکز.
- فتوحی، محمود (۱۳۸۹). آیین نگارش مقاله پژوهشی. تهران: سخن.
- کزازی، میرجلال‌الدین (۱۳۸۸). مازهای راز. تهران: مرکز.
- مجموعه‌ای از مؤلفان (۱۳۹۱). مقالاتی درباره زندگی، شعر و اندیشه سعدی شیرازی. تهران: موج.

گونه‌شناسی خطاهای زبانی در نگارش دانشگاهی ۱۹

موحد، ضیاء (۱۳۸۹). البته واضح و مبهرن است که ... رساله‌ای در مقاله‌نویسی. تهران: نیلوفر.
یاکوبسن، رومن (۱۳۸۱). «زبان‌شناسی و شعرشناسی». زبان‌شناسی و نقد ادبی. ترجمه حسین پاینده.
تهران: نی.

یوسفی، غلام‌حسین (۱۳۷۰). یادداشت‌ها؛ مجموعه مقالات. تهران: سخن.
یوسفی، غلام‌حسین (۱۳۷۳). چشمه روشن. تهران: علمی.